

نگاره

کودکان کار، نیازمند حمایت



■ اولین ستاد ساماندهی کودکان کار سال ۸۰ شکل گرفت و سازمان بهزیستی و شهرداری متولیان آن شدند اما این ستاد متأسفانه در یک دهه هیچ دستاورد مثبتی نداشته این در حالی است که هر سال بودجه‌های میلیارِدی به این سازمان‌ها اختصاص داده می‌شود و هر سال بیشتر شاهد حضور پر شمار کودکان کار در خیابان‌ها که از شکست طرح ساماندهی کودکان کار از یک سو و بالا رفتن میزان فقر و شکاف طبقاتی از سوی دیگر، نشان دارد هستیم چراکه از دیداد کودکان کار با فقر و شکاف طبقاتی رابطه مستقیم دارد. بحث شکست طرح ساماندهی کودکان کار، دلایل خاصی دارد که چنتمثولی بودن، مشخص نبودن گروه هدف و نحوه ساماندهی دادن این بچه‌ها از عمده دلایل شکست این طرح است. فعلا ان حقوق کودک همواره تاکید دارند که هدف را مشخص کنید، گروه هدف چه طیفی هستند و در نهایت این بچه‌ها چه سرنوشتی خواهند داشت و چه برنامه‌ای برای آنها وجود دارد؟ عمده‌ترین دلیل در معرض آسیب قرار گرفتن این بچه‌ها نبود برنامه‌ای درست و مدون و رها شدن آنها به حال خود است. پرونده قتل نوجوانی که کودک کار بود به دست چند مرد افغان و آزار جنسی او، تنها یکی از چندین نمونه مشابه آن است. این کودک به قتل رسید و پرونده‌ای برای او تشکیل شد اما متأسفانه موارد مشابه زیادی داریم که کودک، مورد انواع آزارهای جنسی و جسمی قرار می‌گیرد اما به دلیل بی‌پناه بودن امکان طرح شکایت ندارد و او این آسیب را تا بزرگسالی با خود حمل می‌کند. البته تعداد کودکان که فقط کودکانی که در خیابان‌ها کار می‌کنند نیستند و تعداد قابل توجهی از بچه‌ها در کارگاه‌ها مشغول به کار هستند و در برخی موارد هم مورد آزارهای جسمی و جنسی قرار می‌گیرند این بچه‌ها تا بزرگ شوند در طول زندگی بارهای می‌برند و زنده می‌شوند و هر دفعه آزار کودک کار مصادف با مرگ شخصیت و هویت و مرگ روان اوست و متأسفانه متولیان کودکان کار بدون توجه به این آسیب‌ها به چرخه معیوبی ادامه می‌دهند که سال‌هاست در پیش گرفته‌اند. پدیده کودکان کار، یک وجه وحشتناک‌تر و مخوف‌تر هم دارد و آن اشتغال کودکانی است که در مراکز رسمی که متولی آن وزارت کار است مشغول به کار هستند و طبق قانون کار جمهوری اسلامی، اشتغال برای کودکان زیر ۱۵سال ممنوع است و کسی که از این کودکان برای کار استفاده کند متعلق ماده ۷۹ قانون کار مجازات خواهد شد. ضمن اینکه کشور ما در سال ۸۰ مقاوله‌نامه سازمان جهانی کار را قبول کرد. این مقولیه‌نامه شامل منع اشتغال کودکان و تلاش برای محو بدترین اشکال کار کودکان است. از آن موقع تاکنون، وزارت کار هر سال از روند پیشرفت در اجرای این مقولیه‌نامه به سازمان جهانی کار گزارش می‌دهد در حالی‌که هیچ‌گونه آماری از اقسام پنهان اشتغال کودکان در دست ندارد. سازمان‌های مدافع کودکان، تاکید می‌کنند با توجه به روند رو به رشد فقر و شکاف طبقاتی در کشور که در سال‌های اخیر به اوج خود رسیده، بناچار و با وجود مبلی مانی ما به عنوان مدافعان حقوق کودکان و خود کودکان، بخش زیادی از بار تأمین درآمد خانواده‌های فقیر به ناچار بر دوش کودکان افتاده است حال چه باید کرد؟ وظیفه سازمان‌هایی مثل شهرداری و بهزیستی در خصوص اقسام آشکار کار کودکان در خیابان‌ها می‌تواند این باشد که به جای بورش‌های ادواری به خیابان‌ها و شهرهای بزرگ و جمع‌آوری آنها به نام ساماندهی این کودکان، جنبه حمایتی به خود بگیرند یعنی با ایجاد مکان‌های امن و تحت نظارت این سازمان‌ها به اشتغال از روی ناچاری این کودکان سمت و سو و جهت بدهند تا این کودکان فارغ از آزارهای علیران و باند‌های مخوف – که یک مورد تجاوز به همین کودک مورد بحث است – با خیال آسوده‌تر به کار خود ادامه بدهند. اگر شهرداری و بهزیستی قصدشان پاک کردن چهره شهرها را وجود ژنده‌پوش این کودکان نیست، می‌توانند از تجارب کشورهای غیر دولتی و نیز کشورهایی مثل هند که در این خصوص بسیار موفق عمل کردند، بهره بگیرند و بودجه‌های میلیارِدی را که برای ساماندهی اختصاص می‌دهند و بیهوده تلف می‌شود را برای آموزش و توانمندسازی این کودکان و خانواده‌های آنها صرف کنند. آنچه مسلم است کودکان کار، از آزادی‌دگانی هستند که مکتبی امن را سراغ ندارند که با آرامش خاطر به آنجا مراجعه و از آنچه بر آنها رفته، شاکست‌کنند. ایجاد مکان‌های امن و شناساندن آنها به کودکان حداقل این مزیت را دارد کودکانی که مورد آزار قرار می‌گیرند، به‌راحتی به این مراکز مراجعه و اعلام شکایت کنند. برای ریشه‌ای حل کردن پدیده کار کودکان، اول دولت‌ها باید تأمین اجتماعی و بهر مبرن از حداقل‌های رفاه اجتماعی را در سطح لایه‌های فقیر اجتماعی گسترش بدهند. ساماندهی یک میلیون و ۶۰۰ تا یک میلیون و ۸۰۰ هزار کودک کار یا وارد کردن سه میلیون و ۵۰۰هزار کودک خارج از چرخه تحصیل به مدارس دولتی چندان دور از دسترس نیست و اختصاص فقط نیم‌درصد از درآمد‌های هفتکث حاصل از نفت یا حتی نیم‌درصد از درآمدهای حذف یارانه‌ها یا اختصاص درصد کمی از بودجه کار‌های دیگر، می‌تواند به توانمندسازی این کودکان و خانواده‌هایشان کمک کند. انتصاب مدیران شایسته در حوزه‌های مربوط به آسیب‌های کودکان، بهره‌گیری از تجارب موفق سازمان‌های غیردولتی یا کشورهایی که با ساماندهی این پدیده موفق عمل کرده‌اند نیز می‌تواند راهگشایان باشد.

« عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان

شرق: یک کودک کار توسط ۱۱ کارگر افغان ربوده شد و به قتل رسید. این جنایت در پی تجاوز دسته‌جمعی رقم خورد و تاکنون ۱۰ نفر از متهمان دستگیر شده‌اند. به گزارش خبرنگار ما، شامگاه روز شنبه هفته جاری تماس تلفنی فردی ناشناس با مرکز فوریت‌های پلیسی از وقوع یک جنایت پرده برداشت. این مرد آدرس ساختمانی نیمه‌کاره در منطقه پردیس را داد و اعلام کرد در زیرزمین آنجا جنازه یک پسرپچه رها شده است. دقایقی بعد ماموران کلانتری ۲۰۷ تهران به محل اعلام‌شده رفتند و در زیرزمین با دنبال کردن ردی از خون به یک تیرک چوبی رسیدند که جنازه پسر ی نوجوان به آن بسته شده بود. آنها قبل از هر اقدامی بازپرس ویژه قتل را را ماجرا باخبر کردند و به دستور او تیمی از کارآگاهان جنایی موظف به تحقیق در این رابطه شدند.

کارآگاهان از زیرزمین مخسوف چند لباس زنانه پیدا کردند و در برابر این احتمال قرار گرفتند که شاید این پسر که چندی قبل دستگیر شده بودند جزئیات تازه‌ای را از اعمال تبهکارانه این شبکه‌های فلش کرد. این متهمان را همگی از افراد سابقه‌دار هستند، هدف‌شان را از جمع شدن دور هم و انجام سرقت‌های خشن به دست آوردن پول برای جلب رضایت شاکیان سابق‌شان اعلام کردند.

این شبکه در جریان تحقیقات تخصصی کارآگاهان پلیس آگاهی تهران متلاشی شد. ماموران پس از آنکه با شکایت‌های متعدد مبنی بر زورگیری و کیف‌قاپی با روش‌های خشونت‌آمیز مواجه شدند به تحقیق پرداختند و از طریق دوربین مداربسته بانک‌ها و انجام چهره‌نگاری ابتدا به سه سارق سابقه‌دار مظنون شدند در گام بعدی چند عضو دیگر باند نیز که در شهرهای اطراف تهران مانند اسلامشهر، رباط‌کریم و شهریار سکونت داشتند نیز شناسایی شدند و فاش شد که این افراد هر روز سوار بر خودرو به تهران می‌آیند و بعد از متوقف کردن اتومبیل‌هایشان در پارکینگ‌های عمومی با استفاده از موتورسیکلت به سطح شهر می‌روند تا سرقت انجام دهند و سپس آخر وقت دوباره به پارکینگ بازمی‌گردند و پس از تعویض وسیله نقلیه‌شان به خانه خود بازمی‌گردند.

کارآگاهان بعد از جمع‌بندی اطلاعات به دست آمده، سرچراگ پنجم مهر طی چندین عملیات غافلگیرانه، ۲۱نفر از متهمان و سرکردگان گروه را در تهران و شهرهای اطراف دستگیر کردند که در زمان بازداشت چهار نفر از آنها با پلیس درگیر شدند و شرق: سه مرد جوان که متهم هستند ۱۴ زن را ربوده و مورد آزار جنسی قرار داده‌اند به زودی برای آخرین دفاعیات خود در دادگاه حاضر می‌شوند. به گزارش خبرنگار ما، این سه جوان شش سال قیبل به جرم آزار ۱۴ زن بازداشت و در دادگاه انقلاب محاکمه و به اعدام محکوم شدند اما رأی صادره از سوی دیوان‌عالی کشور نقض و پرونده برای رسیدگی مجدد به شعبه ۷۹ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده‌شد. اعضای باند در حالی بازداشت شدند که دختری جوان را ربوده بودند و قصد داشتند او را به قتل برسانند. زمانی که ماموران کلانتری آدران جاده چالوس به پیکان طوسی‌رنگ مشکوک شدند، آن را متوقف کردند و صدایی غیرمتعارف را از صندوق عقب ماشین شنیدند. ماموران از سرنشینان اتومبیل خواستند پیاده شوند آنها وقتی در صندوق عقب ماشین‌ا ر باز کردند با دختری روبه‌رو شدند که بر اثر ترسیدن آکسیژن و جراحاتی که بر بدنش وارد شده بود، نیمه‌هوش بود.

وقتی این دختر از صندوق عقب بیرون آورده شد و توانست صحبت کند به ماموران گفت: من در حصار کرج به عنوان مسافر، سوار پیکان شدم تا به غلیظیمه بروم، می‌خواستم عمام‌ام را ببینم اما سه جوانی که سوار ماشین بودند من را کتک زدند و کیف و موبایل

شرق: اعضای یک باند از تبهکاران آفریقایی که در تهران دلارهای جعلی می‌فروختند، شناسایی و دستگیر شدند. این ۱۱ تبعه خارجی، دلارهای تقلبی را به نصف قیمت بازار و به جای دلارهای اصلی به فروش می‌رساندند و قصد داشتند بعد از کلاهبرداری کلان ایران را ترک کنند. حدود دو ماه قبل، فردی به پلیس مراجعه و علیه مردی آفریقایی شکایت کرد، او که هیچ نشان و مشخصاتی متهم نداشت به ماموران گفت: «برای خرید دلار به میدان فردوسی رفته بودم که فردی سینه‌شده نزد من آمد، او به زبان انگلیسی صحبت می‌کرد و فهمیدم تبعه یک کشور آفریقایی است. آن مرد چند برگ کاغذ سیاه رنگ را به

نوجوان تنها قربانی نباشد و افراد دیگری نیز در این محل به کالم مرگ کشانده شده باشند، البته جست‌وجوهای مقدماتی در این زمینه به کشف جسدی دیگر منجر نشد. افسران جنایی در گام بعدی فهمیدند نگهبان این ساختمان نیمه‌کاره مردی افغان به نام غدیر است که فراری شده. به این ترتیب تلاش‌ها برای دستگیری وی آغاز شد. همزمان با این اتفاق کارآگاهان هویت قربانی را نیز فاش کردند و فهمیدند او نوجوان ۱۵ ساله‌ای به نام سعید است. پدر سعید چهار روز قبل گم شدن او را به پلیس گزارش داده و تحقیقاتی نیز برای یافتن وی صورت گرفته بود. کارآگاهان در حالی به بازجویی از پدر سعید پرداختند که خود این مرد نیز از طریق یک تماس تلفنی ناشناس در جریان کشف جسد فرزندش قرار گرفته بود. او به ماموران گفت: «به خاطر مشکلات مالی پسرم به من در تأمین هزینه‌های زندگی کمک می‌کرد و معمولاً هر روز وقتی از دبیرستان به خانه برمی‌گشت، بساطش را

اعضای باند ۳۱ نفری زورگیری اعتراف کردند

سرقت‌های بزرگ برای جلب رضایت شاکیان سابق

یک مامور زخمی شد همچنین سردسته باند به نام ابرج نیز هنگام فرار از ناحیه پا هدف گلوله قرار گرفت و روانه بیمارستان شد.

متهمان پس از اینکه با مالباختگان خود مواجه و توسط آنان شناسایی شدند با اینکه تصاویر بسیاری از سرقت‌های خود را از طریق دوربین‌های مداربسته مرکز اقتصادی و تجاری سطح شهر مشاهده کردند، اعتراف کردند در سرقت‌هایشان به دو صورت عمل می‌کردند.آنها در یکی از شگردهایشان در خیابان‌ها به دنبال طعمه برای

گردیندقایی، زورگیری و کیف‌قاپی پرسه می‌زدند و شیوه دوم با ورود به مراکز تجاری و اقتصادی مثل بانک‌ها، با زاغ‌زنی، طعمه خود را شناسایی و پس از تعقیب او، در

شرق: سه مرد جوان که متهم هستند ۱۴ زن را ربوده و مورد آزار جنسی قرار داده‌اند به زودی برای آخرین دفاعیات خود در دادگاه حاضر می‌شوند. به گزارش خبرنگار ما، این سه جوان شش سال قیبل به جرم آزار ۱۴ زن بازداشت و در دادگاه انقلاب محاکمه و به اعدام محکوم شدند اما رأی صادره از سوی دیوان‌عالی کشور نقض و پرونده برای رسیدگی مجدد به شعبه ۷۹ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده‌شد. اعضای باند در حالی بازداشت شدند که دختری جوان را ربوده بودند و قصد داشتند او را به قتل برسانند.

زمانی که ماموران کلانتری آدران جاده چالوس به پیکان طوسی‌رنگ مشکوک شدند، آن را متوقف کردند و صدایی غیرمتعارف را از صندوق عقب ماشین شنیدند. ماموران از سرنشینان اتومبیل خواستند پیاده شوند آنها وقتی در صندوق عقب ماشین‌ا ر باز کردند با دختری روبه‌رو شدند که بر اثر ترسیدن آکسیژن و جراحاتی که بر بدنش وارد شده بود، نیمه‌هوش بود. وقتی این دختر از صندوق عقب بیرون آورده شد و توانست صحبت کند به ماموران گفت: من در حصار کرج به عنوان مسافر، سوار پیکان شدم تا به غلیظیمه بروم، می‌خواستم عمام‌ام را ببینم اما سه جوانی که سوار ماشین بودند من را کتک زدند و کیف و موبایل

من نشان داد و گفت آنها اسکناس‌های صدلاری هستند. حرفش را باور نکردم ولی او روی کاغذها ماییی ریخت و بلافاصله سیاهی از بین رفت و صدلاری آشکار شد. آن مرد به من گفت مقداری دلار دارد که به خاطر نیاز مالی حاضر است به نصف قیمت بفروشد. من هم وسوسه شدم و کاغذهای سیاه را خریدم و قرار شد دو روز بعد او مایع مخصوص را هم به من بدهد تا بتوانم سیاهی‌ها را از بین ببرم ولی دیگر آن مرد را پیدا نکردم و بعد هم فهمیدم همه آن اسکناس‌ها در واقع کاغذهای بی‌ارزش هستند.» پس از این مرد، چند نفر دیگر نیز شکایت‌های مشابهی را مطرح کردند و از آنجا که این شیوه کلاهبرداری سال‌ها

حوادث

قتل کودک کار توسط ۱۱ مرد متجاوز

از محل زندگی این افاغنه تعدادی لباس زنانه نیز پیدا شده است

برمی‌داشت و در خیابان‌ها سبزی می‌فروخت هیچ‌وقت هم مشکلی پیش نیامده بود تا اینکه سه‌شنبه‌شب هر چه منتظر شدیم، سعید به خانه برگشت. برای همین از پلیس و بسیج کمک خواستیم و ماموران دنبال پسرم گشتند، ولی نتوانستند او را پیدا کنند و از آن به بعد از سعید خبری نبود تا اینکه فردی با تلفن همراهم تماس گرفت و با دادن نشانی ساختمان نیمه‌کاره گفت جسد سعید آنجاست.» کارآگاهان در ادامه تحقیقات‌شان فهمیدند همان شامگاه سه‌شنبه فردی سعید را مشاهده کرده و موضوع را به پلیس اطلاع داده بود. او به ماموران گفته بود پسر نوجوان را در حال مشاجره با چند مرد افغان دیده و مشاهده کرده است افاغنه او را به زور به ساختمانی نیمه‌کاره بردند، اما ماموران ساختمان موردنظر را اشتباه گرفتند و به مکانی دیگر رفتند. آنها چند افغان را نیز بازداشت کردند اما چون مدرکی علیه‌شان وجود نداشت، آنها را آزاد کردند. با افشای این موضوع، شاهد حادثه

پرونده‌هایی که علیه این گروه تشکیل شده بود، پرداختند. این باند در بیش از یک‌صد فقره جرم، صدها میلیون تومان به چنگ آورده بودند. دزدی از یک پزشک و مجروح کردن پای او با ضربات چاقو، از یک زن با قاپیدن کیف و شکستن دستش، دستبرد به خودرو حمل پول یکی از شرکت‌های تجاری و سرقت از یک شهروند کرجی پس از شناسایی‌اش در یک بانک در تهران و تعقیبش تا کرج و زورگیری از او به همراه ضرب و شتم از جمله سرقت‌های آنان است.

به توجّه به اینکه متهمان اغلب سرقت‌ها را از مشتریان بانک‌ها و مراکز اقتصادی و تجاری انجام می‌دادند، معمولاً در هر سرقت مبلغ کلانی را به دست می‌آوردند و با اظهارات مالباختگان مشخص شد در بسیاری از این سرقت‌ها مبالغ ده‌ها میلیون تومانی به یغما رفته و بالاترین مبلغ اثبات شده ۴۰ میلیون تومان است البته با توجه به اظهارات یکی از این سارقان، هم‌مستلن وی از یک شهروند مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان سرقت کردند اما تاکنون هیچ فردی در این خصوص به پلیس آگاهی مراجعه نکرده است و احتمال دارد شکایت مالباخته در شهری اطراف تهران ثبت شده باشد. سرهنگ عباسعلی محمدیان، رییس پلیس آگاهی تهران درباره این پرونده گفت: تاکنون بیش از یک‌صد نفر از مالباختگان تهرانی و برخی شهرهای اطراف تهران به پلیس آگاهی مراجعه کرده‌اند اما با توجه

رضایت از شاکیان پرونده‌های قبلی خود اعلام کردند و می‌رسد سرقت‌های این افراد خشن بسیار بیشتر از این قدیم را پرداخت کنند. کارآگاهان در گام بعدی به تجمیع

رضایت از شاکیان پرونده‌های قبلی خود اعلام کردند و می‌رسد سرقت‌های این افراد خشن بسیار بیشتر از این قدیم را پرداخت کنند. کارآگاهان در گام بعدی به تجمیع

و پول‌هایش را درزدیدیم، مهدی او را مورد تجاوز قرار داد و وقت ما هم می‌توانیم این کار را بکنیم.» ما هم زن جوان را که به شدت هم ترسیده‌بود، مورد آزار قرار دادیم. او از ترس حتی نمی‌توانست حرف بزند. بعد از آن در هر سرقتی این کار را می‌کردیم. حسین گفت: بیشتر قربانیان ما زنان و دختران جوان غرب تهران بودند و ما در اکباتان و آریاشهر این زنان را مورد آزار قرار می‌دادیم و فقط مورد آخر بود که در کرج دختر جوانی را ربودیم. تحقیقات بعدی پلیس نشان داد، این سه جوان ۱۴ زن را مورد آزار جنسی قرار داده و اموال آنها را ربوده‌اند. این زنان که برخی از آنها قبلاً شکایتی در دادسرا مطرح نکرده‌بودند، بعد از بازداشت متهمان به دادسرا رفتند و آنها را شناسایی کردند. با تکمیل تحقیقات پرونده با اتهام محاربه به دادگاه انقلاب تهران فرستاده و متهمان در این دادگاه محاکمه و هر سه مجرم شناخته و به اعدام محکوم شدند. وکلای مدافع متهمان به رأی صادره اعتراض کردند و در لایحه خود نوشتند

بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت و اطلاعاتی را به پلیس ارائه داد که به سرنخ‌ی برای دستگیری متهمان تبدیل شد و کارآگاهان در دو روز گذشته توانستند ۱۰ نفر را در این خصوص دستگیر کنند، اما از غدیر ردپایی به دست نیامد. این ۱۰ افغان که از کارگران غیرمجاز هستند، در بازجویی‌ها اعتراف کردند پسر نوجوان را به قصد تعرض ربودند و دسته‌جمعی به وی تجاوز کردند و این پسر تاگهان از حال رفت و فوت شد. متهمان ادعا کردند جسد را در یک پتو پیچیدند و در زیرزمین خانه پنهان کردند. در همین حال متخصصان پزشکی قانونی با انجام معاینه و آزمایش‌های تخصصی علت مرگ سعید را تجاوز دسته‌جمعی اعلام کردند. بنا بر این گزارش در حال حاضر تلاش‌ها را برای دستگیری غدیر در حالی ادامه دارد که بازجویی‌ها از ۱۰ متهم دیگر هنوز به پایان نرسیده است و با توجه به الیسه کشف‌شده در قتلگاه این احتمال که زنانی نیز قربانی جنایت‌های این گروه شده باشند، پابرجاست.

پرونده‌هایی که علیه این گروه تشکیل شده بود، پرداختند. این باند در بیش از یک‌صد فقره جرم، صدها میلیون تومان به چنگ آورده بودند. دزدی از یک پزشک و مجروح کردن پای او با ضربات چاقو، از یک زن با قاپیدن کیف و شکستن دستش، دستبرد به خودرو حمل پول یکی از شرکت‌های تجاری و سرقت از یک شهروند کرجی پس از شناسایی‌اش در یک بانک در تهران و تعقیبش تا کرج و زورگیری از او به همراه ضرب و شتم از جمله سرقت‌های آنان است. به توجّه به اینکه متهمان اغلب سرقت‌ها را از مشتریان بانک‌ها و مراکز اقتصادی و تجاری انجام می‌دادند، معمولاً در هر سرقت مبلغ کلانی را به دست می‌آوردند و با اظهارات مالباختگان مشخص شد در بسیاری از این سرقت‌ها مبالغ ده‌ها میلیون تومانی به یغما رفته و بالاترین مبلغ اثبات شده ۴۰ میلیون تومان است البته با توجه به اظهارات یکی از این سارقان، هم‌مستلن وی از یک شهروند مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان سرقت کردند اما تاکنون هیچ فردی در این خصوص به پلیس آگاهی مراجعه نکرده است و احتمال دارد شکایت مالباخته در شهری اطراف تهران ثبت شده باشد. سرهنگ عباسعلی محمدیان، رییس پلیس آگاهی تهران درباره این پرونده گفت: تاکنون بیش از یک‌صد نفر از مالباختگان تهرانی و برخی شهرهای اطراف تهران به پلیس آگاهی مراجعه کرده‌اند اما با توجه

به تعاد بالای سارقان و گستردگی فعالیت آنان به نظر می‌رسد سرقت‌های این افراد خشن بسیار بیشتر از این باشد و حتی ارزش ریالی سرقت‌ها هم به میلیارد برسد. این متهمان باید در دادگاه کیفری‌استان تهران محاکمه شوند. سپس پرونده در دیوان‌عالی کشور مورد بررسی قرار گرفت و اعتراض و کلا مورد تایید قرار گرفت و حکم صادره نقض و دادگاه کیفری‌استان تهران صالح دانسته و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۷۹ دادگاه کیفری‌استان تهران فرستاده شد. متهمان در زمان مقرر برای برگزاری دادگاه در جلسه حضور یافتند؛ اما چون شاکیان پرونده دیگر حاضر نبودند به دادگاه بایباند این پرونده چندین بار تجدید وقت شد. در نهایت در اولین جلسه رسیدگی به اتهام تجاوز به عنف، آدم‌ربایی و سرقت سه متهم جوان برای دفاع از خود در جایگاه حاضر شدند. متهمان این بار اتهام تجاوز به عنف را رد کردند و گفتند با چند زن که از آنها سرقت کردند رابطه داشتند؛ اما این رابطه به زور نبود آنها همچنین مدعی شدند که قصد نداشتند دختر کرجی را مورد آزار قرار دهند و از ترس او را در صندوق عقب ماشین مخفی کرده بودند. بعد از پایان اولین جلسه محاکمه قاضی محمدی‌کشکولی، رییس شعبه ۷۹ دادگاه کیفری‌استان تهران با توجه به پایان وقت جلسه آخرین دفاعیات متهمان را به دادگاه محکوم کردند و با وقت تعیین شده متهمان در روزهای آینده آخرین دفاعیات خود در برابر قضات و شاکیانی که حاضر شدند در جلسه دادگاه شکایت کنند، بیان خواهند کرد.

می‌توانست طعمه‌هایشان را فریب بدهند. سه مرد آفریقایی در ادامه، هشت همدست دیگرشان را نیز معرفی کردند و محل اختفای آنها را به پلیس نشان دادند و به این ترتیب هر ۱۱ عضو این باند دستگیر شدند و اکنون رسیدگی به پرونده آنها ادامه دارد. سردار محمود صادقی، رییس پلیس مهاجرت و گذرنامه نیروی انتظامی در این‌باره گفت: این افراد با ترغیب‌های مختلف، میلیون‌ها تومان از مردم کلاهبرداری کرده‌اند. وی در ادامه گفت: در همین زمینه، چند نفر دیگر نیز از اتباع آفریقایی توانسته بودند مبالغ ۵۰، ۸۰ و ۱۶۰ میلیون تومانی از مردم کلاهبرداری کنند و به کشورهای خود متواری شوند.

شروع را دستگیر کردند و در بازرسی خانه او اسلحه‌ای که با آن قتل صورت گرفته بود را نیز کشف کردند. کارآگاهان جنایی که احتمال می‌دادند صابر مرتکب جرایم دیگری نیز شده باشد به تحقیق از او ادامه دادند که او اعتراف کرد سال گذشته به خاطر اختلاف با پسر جوان او را با همدستی یکی از دوستانش کشته است. با این اعترافات ماموران به بررسی موضوع پرداختند و پی بردن سال گذشته ۲۴ ساله‌ای به شیوه‌ای که صابر اعتراف کرده می‌باشد، دست‌برد در حال حاضر تحقیقات برای دستگیری همدست فراری پسر شرور و بازجویی از او درباره دیگر جرایم احتمالی ادامه دارد.

یادداشت

کدام جنون؟

عبدالصمد خرمشاهی

یکی از مواد بحث‌برانگیز مجازات اسلامی ماده «۵۱» این قانون است. این ماده چنین می‌گوید: جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد، رافع مسؤولیت کیفری است.ماده «۳۶» قانون مجازات عمومی سابق نیز تصریح کرده بود. هرگاه مجرز شود، مرتکب جرم حین ارتکاب به علل مادرادی یا عارضی فاقد شعور بوده یا به اختلال تام‌قوه تمیز یا اراده دچار شده، مجرم محسوب نخواهد شد.به راستی در درجات جنون چه اندازه است؟ آیا اصولاً می‌شود میزان جنون افراد مبتلا به آن را اندازه‌گیری کرد؟ بدیهی است برای تعریف و شناخت حالت جنون ضابطه و معیار روشن و مشخصی وجود ندارد. معمولاً به کسانی که دچار اختلالات شدید روانی هستند یا دچار ازخودبیگانگی شدید شده‌اند مجنون می‌گویند. شاید بتوان گفت که متهمان مجنون این‌گونه نیستند. شاعر می‌گوید: گفته شد این مفاهیم نسبی هستند. شاعر می‌گوید: کار جنون ما به تماشا کشیده است/ یعنی تو هم بیا که تماشا‌ش ما کنی.آیا واقعا تنها به کسانی دیوانه یا مجنون می‌توانیم بگوییم که کار جنون‌شان به تماشا کشیده شده باشد که در عرف به آنها دیوانه و مجنون می‌گویند؟قطعا این‌گونه نیست. شاید بتوان گفت نا‌ثوابی شدید فرد را در تطبیق دادن رفتار و فکر خود با معیارها و ضوابط جاری جامعه انحراف و در موارد شدیدتر جنون می‌نامند. یا به عبارت دیگر شاید بتوان گفت کسانی که به طور کامل عقل‌شان زایل شده، مجنون و دیوانه هستند. اما باز مشکل به جای خود باقی است. امروزه به لحاظ مشکلات شدیدی که بسیاری از افراد دارند، به انواع و اقسام امراض روحی و روانی دچار هستند که دچار شکست شخصیت می‌شوند و در مواقعی این اختلالات روحی و روانی، اراده آنها را زایل می‌کند و دست به اعمال مجرمانه و جنایتکارانه‌ای می‌زنند، بدون آنکه خواستار نتیجه اعمال‌شان شده باشند. در پرونده‌های قتل که وکلای متهمان ادعای جنون موکل‌شان را دارند، باوجود ارایه دلایل و مدارک پزشکی فراوان، کمتر سابقه داشته است که کارشناسان مربوطه پس از معاینه متهم اعلام کنند وی در زمان وقوع جرم دچار جنون آنی شده یا اساساً مبتلا به جنون است. حال آنکه در خیلی از موارد مشاهده می‌شود واقعا فردی که مرتکب قتل می‌شود، دچار انجنان بحران روحی و روانی بوده که اراده و شعور وی در آن لحظه زایل شده بود. در مقایسه دو مادامی که به آنها اشاره شد، ماده «۳۶» یادشده بالنسبه پیشرفته به نظر می‌رسد، زیراکه به اختلال تام‌قوه تمیز یا اراده اشاره کرده و برای مبتلایان به این‌گونه عوارض روحی و روانی قابل به تحقیق یا فقدان مسؤولیت کیفری است.به هر حال شناخت بیماری‌های روحی و روانی هنوز به مرحله علوم تجربی نرسیده و جنبه نسبی و روانی دارند و ضوابط معیارهای مشخص و کنیواختی برای تشخیص این بیماری‌ها فراهم نشده است. جا دارد ماده قانونی مزبور به صورت اساسی مورد بازنگری کامل قرار گیرد، زیرا این ماده بسیار کلی و مبهم است. چه بسیار افرادی که در حال ارتکاب جرم قدرت شعور و اراده آنها زایل شده و مستحق تخفیف هستند، طبعاً اعمال کیفر در خصوص این افراد با هیچ‌یک از اهداف مجازات‌ها یعنی اصلاح و تربیت سازگار نیست.

حادثه‌ها

حمله به همسر در کلاس درس

■ ایستنا: مردی با تصور داشتن ارتباط نامشروع، همسر دانشجوی خود را با ضربات متعدد چاقو در کلاس درس و در حضور استاد و دانشجویان دیگر زخمی و روانه بیمارستان کرد.
دانشتان عمومی و تعلیم و تربیت کرمان با اعلام این خبر افزود: فردی با هویت «محمد» با ورود به یکی از کلاس‌های درس آموزشکده «سما»، وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی کرمان، همسر دانشجوی خود را با هویت «فاطمه» با ضربات متعدد چاقو، زخمی کرد و در حالی که قصد فرار داشت، توسط دانشجویان محاصره و بعد از خودزنی دستگیر شد.
بدالله موحّد افزود: حسب اعلام پزشکان، فاطمه به علت اصابت چاقو به نخاع از ناحیه دو پا فلج شده و به علت جراحات وارد شده در کما به سر می‌برد. وی یادآور شد: «فاطمه» قبل از رفتن به کما از عقد چهارماهه خود با «محمد» خبردار و گفته بود از دو ماه پیش به علت اختلافات پیش آمده، قصد جدایی از او را داشت.
دانشتان کرمان از جمع پرونده به شعبه مفتّم بازپرسی خبردار و گفت: متهم نیز دانشجو است.

زلزله ۷/۲ریشتری شرق ترکیه را لرزاند

■ آناتولی: زلزله‌ای به بزرگی ۷/۲ ریشتری، شرق ترکیه را به لرزه درآورد. این زمین‌لرزه ساعت ۱۳:۴۱:۴۱ دیروز به وقت محلی، شرق ترکیه را لرزاند. مرکز این زمین‌لرزه در شرق استان وان و در روستای تابانی است. تاکنون از میزان خسارت این زمین‌لرزه گزارشی منتشر نشده و تعداد کشته‌شدگان بیش از هزار نفر اعلام شده است که احتمال دارد این رقم افزایش یابد. این زمین‌لرزه در شهرهای دیاربکر، سیراک، سیرت، باتمان و مردین نیز احساس شده و شهرهای خوی، چالدران، ارومیه نیز دیروز در پی این زلزله به لرزه درآمدند و در چالدران حدود ۴۰ خانه آسیب دید.